

نقش زن در توسعه سیاسی و اقتصادی از منظر اسلام (با تأکید بر دیدگاه حضرت آیت‌الله العظمی فیاض (مد ظله))

سلطانعلی نایبی*

چکیده

اسلام از همان آغاز، برای احقاق حقوق زنان پا به عرصه اجتماع نهاد. زمانی که عرب جاهلی دختران را زنده‌به‌گور می‌کرد و حق ارث برای زنان قائل نبود، اسلام دریچه‌ای به‌سوی آزادی حقیقی زنان گشود. در نوشتار حاضر، نقش زن در توسعه سیاسی و اقتصادی از منظر اسلام مورد بررسی قرار گرفته است. در قرآن کریم همواره از فعالیت‌های سیاسی زنان تجلیل شده است، و هیچ‌گاه زن، نقشی منفعل در فعالیت‌های اجتماعی نداشته است. تحقیق حاضر با محوریت مباحث فقهی آیت‌الله العظمی فیاض درصدد طرح و بررسی حقوق سیاسی زنان، از نگاه ایشان است. وی با توجه به مبانی فقهی مخصوص به خودش، فعالیت‌های اقتصادی و سیاسی زنان را جایز شمرده و منعی برای تصاحب مناصب مهم سیاسی مانند ریاست دولت، و مناصب مهم دینی، مانند زعامت دینی توسط زنان نمی‌بیند، به شرط آن‌که واجد شرایط مناصب مذکور باشند. روش تحقیق، تحلیلی-توصیفی و با بهره‌گیری از منابع کتابخانه‌ای است.

واژگان کلیدی: نقش زن، اسلام، توسعه، آیت‌الله العظمی فیاض.

مقدمه

از موضوعات پرچالش معاصر، حقوق و جایگاه اجتماعی زنان است. با تهاجم فرهنگی غرب، و ظهور جنبش فمینیسم، و آزادی‌خواهی زنان در غرب، این حرکت اجتماعی، سؤالاتی را در اذهان زنان مسلمان، نخبگان دینی، و پژوهشگران حوزه سیاست و اجتماع، ایجاد کرده است، و هریک، طبق تخصص خویش، این موضوع را موشکافی، و به سؤالات پاسخ داده‌اند. اسلام همواره بر حقوق مالی زنان، تساوی زن و مرد در اصل خلقت تکیه کرده است، همان‌گونه که آغاز اسلام، رها نمودن زنان، از خرافات عرب جاهلی بود، در ادامه نیز می‌تواند چنین باشد، با توجه به تاریخ صدر اسلام، و اشاراتی که قرآن کریم به فعالیت‌های اجتماعی زنان دارد، اصل حق حیات سیاسی و اقتصادی زنان، امری قابل اثبات بوده و گسترش فعالیت‌های اجتماعی آنان، بر طبق اصول اسلامی، امری است که نمی‌تواند مخالف احکام شرع باشد، اما واضح است که قدم نهادن در این راه، (موضوع مختلف^۱ فیه) بدون چراغ راه، امکان پذیر نیست، لذا نوشتار حاضر، با تأکید بر دیدگاه فقیه عالیقدر جهان تشیع حضرت آیت الله العظمی فیاض (زید عزه)، قلمی شد. هدف تحقیق این است تا دریچه‌ای به سوی فهم بیشتر حقوق سیاسی و اقتصادی زنان و نقش آنان در توسعه سیاسی و اقتصادی جامعه اسلامی باشد.

مفهوم شناسی

۱. توسعه

توسعه فرایندی است که زمینه‌ی شکوفایی استعدادهای گوناگون انسان را فراهم می‌سازد تا با استفاده بهینه از منابع مختلف، بستر مناسبی برای رشد تولیدات ملی، هماهنگ با تأمین خواسته‌های اصیل انسانی فراهم آید؛ در نتیجه، افراد جامعه در این فرایند، مسیر تکاملی شایسته خود را پیمایند (خلیلیان اشکذری، ۱۳۸۱: ۲۳). به اعتقاد سیرس، توسعه به معنی حذف فقر، بیکاری، و نابرابری است. این امر به مرور مسائل ساختاری مانند: آموزش، بهداشت، رشد جمعیت، شهرنشینی، اصلاحات کشاورزی و غیره را در بر می‌گیرد (منجذب، ۱۳۹۰: ۱۱). معمولاً در بحث‌های غیرتخصصی دو واژه رشد^۱ و توسعه^۲ را به جای یکدیگر به کار می‌برند، ولی می‌توان برای

^۱ - Growth

^۲ - Development

مشخص تر و دقیق تر شدن بحث‌ها توجه کرد که «رشد» معمولاً در مورد پدیده‌هایی به کار بسته می‌شود که جنبه کمی دارند و سنجش پذیرند، اما «توسعه» جنبه معنوی و کیفی دارد؛ از این رو سنجش پذیری آن دست کم به سهولت سنجش پذیری مفهوم پیشین نیست (حریری اکبری، ۱۳۸۷: ۴۰-۴۱). بنا به تعریف «یورگن هابرماس»، توسعه مترادف با گذار از مرحله‌ای به مرحله دیگر در یک جامعه است که اعضای آن، هم از لحاظ کمی و هم از لحاظ کیفی گنجایی‌های فراگیری خود را افزایش دهند (حریری اکبری، ۱۳۷۷: ۳۱).

۱-۱. توسعه اجتماعی

توسعه اجتماعی، به معنای سیاست‌های رفاه عمومی، در زمینه بهداشت، آموزش و مسکن است (ندروین پیترز، ۱۳۹۵: ۲۲۳). «ميجلی» توسعه اجتماعی را فرایندی از دگرگونی‌های اجتماعی می‌داند که برای ارتقای بهزیستی جامعه در ارتباط با فرایندی پویا از توسعه اقتصادی برنامه‌ریزی و طراحی شده است (همان: ۲۲۵). رویکرد توسعه اجتماعی که آدلن و موریس معرف آن بودند، متأثر از نظریه نوسازی بود، بنابراین شاخص توسعه اجتماعی مد نظر آنها مشابه شاخص‌های نوسازی است (همان: ۲۲۶).

۲-۱. توسعه سیاسی

هدف توسعه سیاسی، گسترش مشارکت سیاسی شهروندان و رقابت گروه‌های اجتماعی در زندگی سیاسی است که برخی از دانشمندان از جمله رابرت دال، آیدم، دیوید اپترو و آیزنشتات، این شاخصه‌ها را معیار توسعه سیاسی معرفی کرده‌اند (بشیریه، ۱۳۷۸: ۱۱). مفاهیم «رشد سیاسی» و «مدرن‌سازی» نیز در توسعه سیاسی به کار می‌رود. این دو مفهوم لااقل باید یکی از تصورات زیر را در بر گیرد: ۱) دگرگونی سیاسی به منظور رسیدن به هدفی خاص مانند: دموکراسی لیبرال؛ ۲) دگرگونی کلی در قلمرو سیاست در ارتباط نزدیک با سایر زمینه‌های جامعه شامل: الف) گسترش و تمرکز قدرت و تخصصی کردن وظایف؛ ب) افزایش مشارکت مردم در سیاست ج) تقویت یگانگی مردم و نظام سیاسی موجود؛ ۳) ظرفیت یک نظام سیاسی برای: الف) حل مشکلات ناشی از رشد و مسائل دیگر؛ ب) به وجود آوردن و ادامه سیاست‌های تازه برای جامعه و ایجاد ساختارهای جدید و اصلاح ساختارهای قدیم؛ ۴) توان یاد گرفتن به نحو بهتر که چگونگی باید وظایف سیاسی را انجام داد و ساختارهای سیاسی ایجاد کرد (داد و دیگران، ۱۳۸۶: ۳۵).

گاهی اصطلاح مدرن‌سازی سیاسی به نحوی به کار می‌رود که صرفاً به مورد (۲) اشاره دارد. گاهی رشد سیاسی به موارد (۱) و (۳) و (۴) منحصر می‌شود (همان). «رشد سیاسی» جنبه‌های بسیار دارد که می‌توان بدین موارد اشاره کرد: (۱) پیش‌نیاز رشد اقتصادی؛ (۲) سیاست جوامع صنعتی؛ (۳) مدرن‌سازی سیاسی؛ (۴) شیوه عمل دولت تک‌ملیتی؛ (۵) رشد اداری و حقوقی؛ (۶) بسیج و مشارکت توده مردم؛ (۷) بنای دموکراسی؛ (۸) ثبات و تغییر آرام و منظم؛ (۹) به‌کارگیری قدرت؛ (۱۰) یکی از جنبه‌های جریان کثیرالابعاد دگرگونی اجتماعی (داد و دیگران، ۱۳۸۶: ۹۹-۱۰۹).

۳-۱. توسعه اقتصادی

توسعه اقتصادی به وضعیتی گفته می‌شود که در آن انسان به گونه‌ای تربیت شود که با تسلط بر تکنولوژی مدرن و استفاده بهینه از منابع، توان برنامه‌ریزی فراگیر برای تأمین رفاه جامعه را داشته و زمینه‌ی مناسب برای نیل به کمالات انسانی برای همگان فراهم باشد (خلیلیان اشکذری، ۱۳۸۱: ۲۵). ادبیات موجود نشان می‌دهد که مفهوم توسعه اقتصادی اغلب با رشد اقتصادی اشتباه گرفته شده است. تمایز قائل شدن بین تئوری‌های توسعه و تئوری‌های رشد مشکل است. رشد اقتصادی عبارت است از افزایش درآمد ملی و یا درآمد سرانه و یا تولید که معمولاً به وسیله تولید ناخالص داخلی GDP و یا تولید ناخالص ملی GNP اندازه‌گیری می‌شود (منجذب، ۱۳۹۰: ۱۰).

ویژگی‌های رشد اقتصادی در صورت افزایش GDP سرانه و بدون توزیع عادلانه رشد، افزایش استانداردهای زندگی را در بر نخواهد داشت. توسعه اقتصادی مفهومی بسیار گسترده‌تر از مفهوم رشد اقتصادی است، در حالی که این دو مفهوم همچنان در ادبیات اقتصادی به جای یکدیگر به کار گرفته می‌شوند. می‌توان چنین تصور نمود که رشد اقتصادی پیش‌شرط و یا شرط لازم برای توسعه اقتصادی است. کشورهایی که نوعاً فقیر هستند عموماً کمتر توسعه یافته‌اند، و این در حالی است که کشورهای ثروتمند لزوماً کشور توسعه یافته نشده‌اند. برای مثال برخی کشورهای ثروتمند نفتی خاورمیانه افزایش قابل توجهی را در GDP سرانه تجربه کرده‌اند در حالی که با شرایط توسعه فاصله زیادی دارند (همان). امروزه توسعه اقتصادی ترکیبی از: (۱) رشد خود اتکاء؛ (۲) تغییرات ساختاری در الگوهای تولید؛ (۳) ارتقاء سطح تکنولوژی؛ (۴) نوسازی اجتماعی، سیاسی و نهادی؛ (۵) بهبود گسترده در شرایط انسانی است (همان: ۱۱). اسلام در توسعه اقتصادی مطلوبش از ارکان و اصول عام توسعه غافل نبوده است. شش عنصر: دانش، برنامه‌ریزی،

کار، بازار، مصرف و دولت از پایه‌های توسعه اقتصادی نام برده شده‌اند (محمدی ری شهری، ۱۳۸۵: ۱۶۳).

۲- زن در اسلام

زن در اسلام از اهمیت بسیار زیادی برخوردار است. بیش از ۴۰۰ آیه قرآن کریم، درباره اهتمام و ارج نهادن به مقام زنان وجود دارد. موقعیت بانوان در سوره‌های تحریم، نساء، احزاب، نور، ممتحنه، طلاق، مائده، بقره، فتح، حدید، توبه، بروج، محمد ص، بازگوشده است (جلیلی، ۱۳۸۴: ۴۳). اسلام از آغاز تأسیس، رأی و نظر و مشورت زنان را به کار می‌گرفت، به صورتی که در اوائل نزول وحی بر پیامبرص، او خدیجه همسر گرامیش را از کیفیت وحی آگاه نمود (گوستاولوبون، ۱۳۳۴: ۱۰۸).

در تبیین نگاه اسلام به جنسیت، توجه به این نکته لازم است که برداشت فقها و اندیشمندان از متون دینی نسبت به زنان، یکسان نبوده است. برخی پژوهشگران تلاش کرده‌اند برداشت‌های عالمان از متون مقدس اسلامی را در ذیل سه گروه سنت‌گرایان، نوسنت‌گرایان و مدرنیست‌ها بگنجانند (نریمانی زمان‌آبادی، ۱۳۹۴: ۳۹). تقریباً می‌توان گفت، سنت‌گرایی گفتمان غالبی بوده است که در متون فقهی کلاسیک بروز بیشتری یافته است. نوسنت‌گرایی در اوایل قرن بیستم توسعه بیشتری یافت و در متون مدون حقوقی مدرن در کشورهای اسلامی قابل شناسایی است. نگاه مدرن به جنسیت در دو دهه اخیر، ظهور بیشتری یافته است (همان).

بنا بر مبانی فقهی آیت الله فیاض، شهادت زن در تمامی مسائل سیاسی، اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی، معادل و برابر با شهادت مرد محسوب می‌شود و هیچ فرقی بین آن دو وجود ندارد. همچنین رأی او مانند رأی مرد است. این که شهادت (گواهی) زن نصف شهادت مرد محسوب می‌شود، مربوط به موارد خاصی است که نص خاص در شریعت درباره‌ی آن‌ها وارد شده است (فیاض، ۱۳۹۲: ۵۸-۵۹). از نظر ایشان، در مورد حق استمتاع مرد، زن حق امتناع ندارد و رهایی زن از قید نکاح یعنی طلاق او نیز به دست مرد می‌باشد. این حکم مختص به داخل خانواده است و در بدل این منزلت مرد در نظام خانواده، زن نیز حقوقی بر مرد دارد؛ مانند نفقه‌ی مناسب شأن و کرامت زن، اعم از مسکن، لباس، غذا و معیشتی که آرامش و امنیت او را تأمین کند و سایر حقوق. اما در خارج از محیط خانواده و در تمامی عرصه‌های حیات عمومی و شؤون سیاسی، اقتصادی، آموزشی و غیره، هیچ فرقی بین مرد و زن وجود ندارد (همان: ۶۳). از

موضوعات مهم پیرامون زندگی زناشویی، قوام بودن مرد است، از نظر آیت الله فیاض، قوام بودن مرد بر زن منحصر به زندگی خانوادگی است؛ یعنی در قلمرو خانواده، مرد سرپرست آن است. اما در حیات عمومی هیچ فرقی بین زن و مرد وجود ندارد (همان: ۶۴). شوکانی می گوید: مراد از قوامت، دفاع از زنان است، آن گونه که حاکمان از رعیت حمایت و دفاع می کنند؛ یعنی مردان باید احتیاجات هزینه زندگی و لباس و مسکن زنان را تأمین نمایند و چون مردان در این گونه کارها اصالت دارند، لذا با صیغه مبالغه قوام آمده است و آلوسی نیز نظر مشابه او را دارد (رسول، ۱۳۸۳: ۳۶۶). از نظر آیت الله فیاض، حق استمتاع شوهر بر زن، به اندازه‌ی معمولی و متعارف آن است و این مقدار، با کار زن و خارج شدن او از منزل به اندازه‌ی شش یا هشت ساعتی که معمولاً مرد نیز در همین مدت خارج از منزل است، منافات ندارد (فیاض، ۱۳۹۲: ۹۱). آیت الله فیاض منشأ اختلاف در به رسمیت شناختن حقوق زن در اسلام را اختلاف در فهم فقهی فقهاء می داند.^۱

شهید مطهری درباره کسب کمال توسط زنان می نویسد: «این فکر که زن فقط و فقط در کنج خانه محبوس بماند و حتی با حفظ حریم و رعایت عفاف هم از علم و از هر کمالی، الزاماً باید محروم بماند و کاری جز اطفای شهوت مرد و خدمتکاری او ندارد... علاوه بر این که با اسلام جور نمی آید، ضد عواطف انسانی است» (مطهری، ۱۳۷۴: ۶۱). از منظر آیت الله جوادی آملی، برای ترسیم حقوق زن، بررسی دو عنصر محوری لازم است: ۱. شناخت اصل انسانیت که حقیقت

۱. فهم فقها در مورد استنباط احکام شرعی از متون دینی، یعنی آیات و روایات، متأثر از شرایط و اوضاع متغیر اجتماعی نیست؛ دلیل آن این است که عملیات استنباط احکام شرعی عبارت است از: «تطبیق قواعد عام اصولی بر عناصر خاص آن در فقه» و این موضوع به شرایط و اوضاع سیاسی، اجتماعی و فرهنگی ارتباط ندارد. بلی! فقیه گاهی در تکوین و ترتیب نظری و تئوریک قواعد عمومی در علم اصول و گاهی هم در تطبیق آن قواعد بر عناصر خاص آن در علم فقه، اشتباه و خطا می کند. منشأ این خطا یکی از عوامل زیر است: اول: توانایی فکری ذاتی و شخصی فقیه؛ زیرا تفاوت فقها در این توانایی، در تشخیص و تعیین قواعد و نظریات عمومی و ترتیب آن‌ها در قالب دقیق و عمیق و تطبیق درست آن‌ها بر عناصر خاص آن، اثر زیادی دارد؛ دوم: توانایی علمی قبلی فقیه؛ زیرا تفاوت فقها در این توانایی نیز در ترتیب دقیق و عمیق قواعد و تطبیق آن‌ها، اثر بارزی دارد؛ سوم: غفلت فقها از عناصر دخیل در تکوین یا تطبیق قواعد، نیز گاهی می تواند منشأ این اشتباه محسوب شود؛ چهارم: تفاوت شرایط زندگی و محیطی که فقها در آن به سر می برند، نیز گاهی، و به ندرت، منشأ خطا است. نتیجه اینکه، شرایط سیاسی کشور و اوضاع عمومی اجتماعی، در فهم و استنباط احکام شرعی از قواعد عمومی اصولی، تأثیری ندارد (فیاض، ۱۳۹۲: ۸۷-۸۸).

مشرک زن و مرد است؛ ۲. هویت صنفی زن که واقعیت مختص به اوست و هیچ مبدئی برای تشخیص صحیح آن حقیقت مشترک و این هویت مختص، صالح‌تر از آفریدگار عالم و آدم نیست (جوادی آملی، ۱۳۸۳: ۲۷۸). بنابراین از آنجا که خداوند بیشترین شناخت را نسبت به زن دارد، از صلاحیت کامل برای وضع حقوق زن، برخوردار است و بشر حق دخالت کامل در وضع این قوانین را ندارد، و باید قوانین خویش را با قوانین الهی تنظیم کند.

آیت الله العظمی فیاض

آیت الله شیخ محمد اسحاق فیاض در سال ۱۹۳۰م (برابر با سال ۱۳۰۹ شمسی؛ ۱۳۵۳ قمری) در روستای «صوبه»، یکی از قریه‌های جاغوری در ولایت غزنی، در جنوب پایتخت افغانستان، دیده به جهان گشود. از نظر قومی متعلق به قوم «آته» است که یکی از چهار دسته کلان جاغوری می‌باشد (فیاض، ۱۴۳۴: ۱۸-۱۹). وی در سال ۱۳۶۹ قمری برای تکمیل آموخته‌های معرفتی و رسیدن به مقام منبع اجتهاد و دستیابی به توان استنباط، رهسپار حوزه علمیه مشهد مقدس گردید و چند سالی را در حوزه علمیه مشهد به تحصیل پرداخت، سپس برای تکمیل آموخته‌هایش عازم نجف اشرف شد و در آنجا پس از تکمیل سطوح عالی به جمع تلامذه فاضل و پرتلاش مرجع تقلید شیعیان، رئیس حوزه علمیه نجف و اصولی متبحر، و فقیه بزرگ، آیت الله العظمی سید ابوالقاسم خوئی پیوست (ناصری داوودی، ۱۳۹۰: ۵۰۵).

از اساتید مقدمات ایشان در افغانستان می‌توان به شیخ قربانعلی وحیدی، از تحصیل‌کرده‌ها و علمای نجف و ادیب و مدرس شهیر، حجت الاسلام شهید رمضان علی شریفی اشاره کرد (فیاض، ۱۴۳۴: ۱۹). وی در مشهد مقدس، بخشی از کتاب مطول در علم معانی و بیان را نزد ادیب شهیر آن زمان، شیخ محمد حسین نیشابوری معروف به ادیب نیشابوری فرا گرفت. (همان: ۲۰). آیت الله فیاض، کتاب «قوانین الاصول»، «حاشیه» ملا عبدالله و بخشی از کتاب «اللمعه الدمشقیه» را نزد شیخ میرزا کاظم تبریزی خواند و بخشی از این کتاب را نزد مرحوم سید اسدالله مدنی و شیخ میرزا علی فلسفی تمام کرد و کتاب «مطول» را نزد علامه مدرس افغانی به پایان رساند. آیت الله فیاض کتاب‌های سطوح عالی حوزه مانند: «کفایه الاصول» آخوند خراسانی، «رسائل» و «المکاسب المحرمه» شیخ انصاری را نزد شیخ مجتبی لنگرانی فراگرفت (همان: ۲۳). مقدمه آیت الله خوئی، بر تقریرات آیت الله فیاض که دروس ایشان را تقریر علمی نمودند، از شواهد بسیار مستحکم بر علمیت ایشان در زمان حیات آیت الله خوئی است، که در مقدمه جزء

اول کتاب «المحاضرات» چاپ شده است.^۱ در این تقریظ وی آیت الله فیاض را به: نور چشم، علامه، مدقق و فاضل، توصیف نموده و تقریرات وی را نیکو ستوده است که با شیوه رسا و توجه و دقت علمی مطالب درسی را با زیبایی تمام نگاشته است (همان: ۲۸).

بنا به گزارش ردنا (ادیان نیوز)، «مرکز سلطنتی مطالعات استراتژیک اسلامی»، آیت الله فیاض از مراجع شیعه اهل افغانستان ساکن شهر نجف عراق را، به عنوان شخصیت برتر جهان اسلام انتخاب کرد. این مرکز یک مؤسسه بین المللی غیردولتی و مستقل اسلامی است که مقر آن در شهر امان (عمان) پایتخت کشور اردن می باشد. (ردنا، ۱۴۰۰/۱۰/۱۸). این مؤسسه گفته است که پژوهش های دوام دار و برجسته آیت الله فیاض در علوم اسلامی به ویژه تقریرات درس اصول، در انتخاب وی به عنوان شخصیت برجسته جهان اسلام نقش داشته است (همان). دیدگاه های آیت الله فیاض در مسائل جدید سیاسی چون: مشارکت زنان، وحدت اسلامی، نظامی سیاسی اسلام و موضوعات اقتصادی چون: بانکداری اسلامی و حتی مسائل عبادی چون: اتحاد افق در جهان اسلام و ... علامه فیاض را یک مجتهد نوآور و پیشتاز علمی در جهان معرفی کرده است (ناصری داوودی، ۱۳۹۰: ۵۱۳).

پیشینه تحقیق

۱. آیت الله العظمی شیخ محمد إسحاق فیاض، (۱۴۳۴ق). در کتاب جایگاه زن در نظام سیاسی اسلام، ترجمه سروردانش، (چاپ اول، ۱۴۳۴ق) که توسط دبیرخانه کنگره تجلیل از مقام علمی آیت الله العظمی فیاض در کابل به نشر رسیده است، از منظر دینی، جایگاه زن را تبیین فرموده اند. این کتاب دارای ۱۰۲ صفحه بوده، و به صورت پرسش و پاسخ به مسئله زنان پرداخته است. حضرت آیت الله العظمی فیاض، با تسلط کامل بر فقه و اصول شیعه، به این سؤالات پاسخ

۱. متن کامل مقدمه بدین شرح است: «بسم الله الرحمن الرحيم، الحمد لله رب العالمين والصلاة والسلام على أشرف الأنبياء والمرسلين محمد وعترته الطيبين الطاهرين، واللجنة الدائمة على أعدائهم أجمعين إلى يوم الدين، وبعد: فإنني أحمد الله تعالى على ما أولاني به من تربية نفع من ذوى الكفاءة واللياقة حتى بلغ الواحد منهم تلو الآخر درجة راقية من العلم والفضل، وممن وفقت لرعايته وحضر أبحاثي العالية في الفقه والأصول هو قرّة عيني العلامة المدقق الفاضل الشيخ محمد إسحاق الفياض دامت تأييداته، وقد عرض على الجزء الأول من كتابه «المحاضرات في أصول الفقه» الذي كتبه تقرير الابحاث بأسلوب بليغ و إلمام جدير بالإشادة والإعجاب، وإنني أبارك له هذا الجهد الميمون وأسأله تعالى أن يوفقه لإتمام مراده، إنه ولي التوفيق. في ۶ جمادى الثانية سنة ۱۳۸۲ هـ - « (فیاض، ۱۴۳۴: ۲۷-۲۸).

داده‌اند که جنبه فتوایی نیز دارد.

۲. محمود حکمت نیا در کتاب «حقوق و مسئولیت‌های فردی و اجتماعی زن» به حقوق زن اشاره کرده است. این کتاب در «انتشارات پژوهشگاه فرهنگ و اندیشه اسلامی» (چاپ اول، ۱۳۹۰) به چاپ رسیده و حاوی ۴۸۷ صفحه است. وی در این تحقیق به حقوق سیاسی، فرهنگی و اقتصادی زنان اشاره کرده است. نویسنده سعی کرده است از جایگاه حقوقی به مسئولیت‌های زنان نگاه کند.

۳. «جمال محمد فقی رسول» در کتاب «زن در اندیشه اسلامی»، که توسط محمود ابراهیمی ترجمه شده، و در «نشر احسان» (چاپ اول، ۱۳۸۳) طبع شده است، به موضوع زن پرداخته است. این کتاب دارای ۵۵۲ صفحه بوده، و حقوق زن را از منظر اسلام، و ناظر به روایات اهل سنت، بررسی کرده است.

۴. سید مهدی نریمانی زمان آبادی، در کتاب «کاوشی نو در مسئله حضور اجتماعی زنان»، که توسط «بنیاد پژوهشهای اسلامی آستان قدس رضوی» (چاپ اول، ۱۳۹۴) به انتشار رسیده است به موضوع حضور زنان در عرصه‌های مختلف اشاره کرده است. این کتاب دارای ۲۹۲ صفحه بوده، و استدلال فقهی در این کتاب بسیار پررنگ است، و سعی کرده است بیشتر از دریچه فقه، بر حضور فعال زنان در جامعه بشری و جامعه اسلامی استدلال بیاورد.

برخی از فعالیت‌های سیاسی و اقتصادی زنان در قرآن و صدر اسلام

الف) فعالیت‌های سیاسی

۱. ملکه سبا

از نظر علامه فضل الله، قرآن کریم زن را در سبک زندگی ملکه سبا، به ما نشان می‌دهد؛ همان انسانی که مهار عقل خود را به دست داشت و پیرو عواطف خود نشد. زیرا مسئولیتش موجب رشد تجربه و تقویت عقل و تکامل اندیشه‌اش شده بود، به گونه‌ای که می‌توانست بر مردانی که در او شخصیتی نیرومند، خردمند و توانا بر اداره امور سراغ داشتند، حکم براند (فضل الله، ۱۳۸۷: ۲۱). از نظر علامه فضل الله تحلیل چهره ملکه سبا روشن می‌سازد که امکان آن هست که زن بتواند بر عوامل ضعف زنانگی خود غالب آید و این گواه آن است که ضعفها، اموری مقدّر و جبری نیستند که رهایی از آن امکان‌پذیر نباشد (همان).

۲. بیعت زنان با پیامبر اسلام (ص)

از اولین فعالیت‌های سیاسی زنان صدر اسلام می‌توان به بیعت آنان در عقبهٔ اولی اشاره کرد که سال دوازدهم پس از بعثت دوازده مرد از قبیله‌های اوس و خزرج در عقبهٔ اولی با پیامبر(ص)، بیعت کرده و ایشان با زنان نیز بیعت نمودند(عاملی، ۱۴۱۵ق ۳: ۳۰۹). همچنین در سوره ممتحنه به رسول خدا (ص) امر شده است، اگر زنان برای بیعت کردن نزد تو آمدند بیعت آنان را پذیرا باش، و برای آنان از خداوند متعال طلب مغفرت کن: «يَا أَيُّهَا النَّبِيُّ إِذَا جَاءَكَ الْمُؤْمِنَاتُ يَبَايِعْنَكَ فَبَايِعْهُنَّ وَاسْتَغْفِرْ لَهُنَّ اللَّهُ» (ممتحنه: ۱۲). در روز فتح مکه، هنگامی که پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله روی کوه صفا از مردان بیعت گرفت، زنان نیز نزد حضرت آمدند تا بیعت کنند، این آیه نازل شد و چگونگی بیعت را شرح داد. بیعت پیامبر با زنان، این گونه بود که حضرت دست مبارکشان را در ظرف آبی قرار دادند و سپس به زنان فرمود: برای بیعت کردن دست خود را در آب فرو بردند(قرائتی، ۱۳۸۳: ۹: ۵۹۳).

۳. بیعت زنان با امیرالمومنین علی (ع)

حضور زنان در صدر اسلام، به صورت بیعت بود که حاکم اسلامی را تأیید می‌کردند و با او عهد می‌بستند. این حضور که قبل از اسلام سابقه نداشت، حاکی از حضور حماسی زنان در جامعه عرب دارد. عربی که دختر را زنده به گور می‌کرد اگر اسلام نبود، همان حالت سابقه را ادامه می‌داد، اما این اسلام بود که با نور روشنایی خویش بر تاریکی عرب جاهلی فائق آمد و جایگاه و منزلت سیاسی زنان را ارتقاء بخشید. شهید مطهری در شرح خطبه ۲۲۹ نهج البلاغه از جمله: « وَ حَسَرَتْ إِلَيْهَا الْكَعَابُ؛ دختران در حالی که لباس خودشان را عقب زده بودند(یعنی صورتهایشان را باز کرده بودند) به سوی این بیعت آمدند(نهج البلاغه: خطبه ۲۲۹). نتیجه می‌گیرد که زنها با امیرالمومنین ع بیعت کردند زیرا خطبه بدان صراحت دارد(مطهری، ۱۳۹۲: ۶۱).

۴. فعالیت‌های سیاسی حضرت زهرا (س)

از مهمترین مصادیق فعالیت سیاسی زنان صدر اسلام، تحرکات سیاسی صدیقه کبری فاطمه زهرا (س) است. حضرت فاطمه زهرا(س)، پس از اطلاع از اتفاقات سقیفه و پشت کردن بخش عمده‌ای از مهاجران و انصار به دستور الهی، و منحرف شدن از صراط مستقیم ولایت، به تنهایی با همه عظمت شأن و جایگاه ویژه‌ای که در بین امت اسلام داشت، شبانه سوار بر مرکب شده و توأم با سکوت مظلومانه امیرالمومنین ع، دست نوادگان رسول خداص، را گرفته به درب خانه یکایک

انصار مراجعه می‌کرد و ضمن یادآوری جریان غدیر و اراده و فرمان الهی برای إحقاق حق و برگشت امت به مسیر هدایت از آنان یاری می‌جست (جوادی آملی، ۱۳۹۳: ۱۶۸). از آنجا که قیام مسلحانه امیرالمؤمنین علی (ع)، پس از سقیفه میسر نبود، فاطمه زهرا (س) تحرکات سیاسی را انجام دادند. قیام مسلحانه امیرالمؤمنین (ع)، هم اشکال سیاسی داشت و هم اشکال امنیتی. اشکال سیاسی آن بود که مردم کوتاه‌نظری که به آسانی دست از حمایت علی (ع) برداشتند، به سرعت قضاوت می‌کردند و قدرت طلبی ایشان را برداشت می‌کردند، اشکال امنیتی این کار نیز این بود که به راه انداختن جنگ داخلی در جامعه اسلامی، فتنه‌ای عظیم و تفرقه‌ای شدید در جامعه به راه می‌انداخت که موجب طمع دشمنان برای نابودی دین اسلام و جامعه نوپای اسلامی می‌شد (مصباح یزدی، ۱۳۹۱: ۹۶). با این حال دختر رسول خدا ص، وظیفه‌ای دیگر داشت که به خوبی بدان اقدام فرمود (همان).

فعالیت‌های سیاسی زهرای مرضیه (س)، آنقدر مؤثر بود که طبق نقل مسعودی، تا حضرت زهرا س در قید حیات بودند اصحاب سقیفه نتوانستند از امیرالمؤمنین علی (ع)، بیعت بگیرند. بنی‌هاشم پس از شهادت ایشان، با خلیفه اول بیعت کردند (مسعودی، ۱۴۰۹: ۲: ۳۰۱). همچنین مسلم در صحیح خود از عروه بن زید و او از عایشه نقل می‌کند که فاطمه زهرا (س)، نزد ابوبکر رفت و ارث خود از اموالی که خداوند در مدینه در اختیار رسول خدا (ص) قرار داده بود و همچنین فدک و باقیمانده خمس خیبر را مطالبه کرد. ابوبکر در پاسخ گفت که رسول خدا (ص) فرمود: «لَا تُورَثُ مَا تَرَكَنا صدقةٌ إِنَّمَا يَأْكُلُ آلُ مُحَمَّدٍ فِي هَذَا الْمَالِ»، بنابراین ابوبکر چیزی به فاطمه (س) نداد و فاطمه (س) از آنان کناره‌گیری کرد و هرگز با آنان سخن نگفت تا اینکه شش ماه پس از رسول خدا (ص) از دنیا رفت. وقتی ایشان از دنیا رفت همسرش علی بن ابی طالب (ع)، شبانه او را دفن کرد و به ابوبکر خبر نداد و خود بر پیکر دختر پیامبر (ص) نماز گزارد (مسلم نیشابوری، ۱۴۱۷: ۸: ۴۸۵۶).

ب) فعالیت‌های اقتصادی

۱. تجارت و فروشندگی

از مصادیق بارز فعالیت‌های اقتصادی زنان در عصر نزول وحی، حضرت خدیجه (س) است که تجارت‌پیشگی ایشان (حتی قبل از نزول وحی) معروف است. گرچه شخصاً وارد خرید و فروش نمی‌شده است، اما عقد مضاربه، را انجام داده و مردان را برای تجارت خویش، استخدام می‌کرده

است. در کتب تاریخی حضرت خدیجه (س)، را بانویی شریف، ثروتمند و دارای اعتبار در روزگار خود معرفی کرده‌اند (طبری، ۱۳۸۷: ۲: ۲۸۱). ابوجابر نقل نموده است که «خدیجه دوبار رسول خدا را به استخدام خود درآورد تا به جُرش^۱ سفر کند و در ازای هر سفری به او یک شتر جوان داد.» (نیشابوری، ۱۴۰۶، ۳: ۱۸۲). گوستاولوبون درباره حضرت خدیجه (س)، می‌گوید: «یکی از زنان ثروتمند مکه که بیوه و نامش خدیجه بود او [حضرت محمد ص] را در سن ۲۵ سالگی برای کارهای خویش انتخاب کرد و تمام امور تجاری خود را به وی سپرد» (گوستاولوبون، ۱۳۳۴: ۱۰۷). از نفیسه بنت امیه خواهر یعلی بن امیه نقل شده است: «خدیجه دارای اصالت خانوادگی بوده و ثروت بسیار و کالاهای فراوانی در اختیار داشته که آنها را به شام می‌فرستاده است. کاروان او به مانند همه کاروان‌های قریش بوده است؛ او مردانی را استخدام کرده و با آنان عقد مضاربه می‌بست. وقتی رسول خدا(ص) به سن بیست و پنج سالگی رسید و در مکه با نام "امین" شهرت یافت، خدیجه بیکی را نزد او روانه کرد و از او درخواست نمود تا همراه خدمتکارش میسر به شام سفر کند و گفت: در ازای آن من دو برابر آنچه به افراد قوم تو می‌دهم، به تو خواهم پرداخت؛ رسول خدا(ص) [پیشنهاد او را پذیرفت و] آنچه او گفته بود انجام داد.» (واقدی، بی تا، ج ۸، ص ۱۵۱۶). علاوه بر حضرت خدیجه س، تعدادی از زنان عصر پیامبر ص به عطر فروشی اشتغال داشته، به صورت دوره‌گرد به خانه‌های مردم مراجعه نموده و کالاهای خویش را عرضه می‌کردند (ابن حجر عسقلانی، ۱۸۵۳: ۸: ۱۹۱).

۲. سقائی و آبکشی

از کارهای مفیدی که زنان در صدر اسلام انجام می‌دادند آب‌رسانی و سقائی بوده است. این امر گاهی در میدان‌های نبرد نیز انجام می‌گرفت. «امّ زیاد اشجعیه» علت حضور خود در جنگ را آب‌رسانی می‌داند (الاصابه، ۱۸۵۳: ۲: ۲۳۵). از «امّ معبد انصاری» نیز نقل شده است که در جنگ‌ها به اصحاب پیامبر ص، نوشیدنی می‌داده است (همان: ۲۸۲). در سوره قصص به داستان دختران حضرت شعیب اشاره شده است که گوسفندان خویش را آب می‌دادند: «و هنگامی که به (چاه) آب مدین رسید، گروهی از مردم را در آنجا دید که چهارپایان خود را سیراب می‌کنند؛ و در کنار آنان دو زن را دید که مراقب گوسفندان خویشند (و به چاه نزدیک نمی‌شوند؛ موسی به آن دو

۱. جرش نام شهری در یمن بوده که از سمت مکه جزء آبادی‌های یمن به شمار می‌آمده است. (حموی، ۱۳۹۹، ج ۲، ص ۱۳۶).

گفت: «کار شما چیست؟ (چرا گوسفندان خود را آب نمی‌دهید؟!)) گفتند: «ما آنها را آب نمی‌دهیم تا چوپان‌ها همگی خارج شوند؛ و پدر ما پیرمرد کهنسالی است (و قادر بر این کارها نیست)». (قصص: ۲۳).

۳. دایگی و شیردهی

دایگی و شیردهی از مشاغل قدیمی بانوان است که قرآن کریم نیز بدان اشاره کرده است. خواهر حضرت موسی ع، به زنان دربار فرعون گفت: «آیا کسی را به شما نشان دهم که این نوزاد را کفالت می‌کند (و دایه خوبی برای او خواهد بود)؟!» (طه: ۴۰). در این آیه شریفه به «دایگی» اشاره شده است و نشان از آن دارد، که دایگی برای زنان یک شغل محسوب می‌شده است. در سوره قصص به شغل «شیردهی» اشاره شده است: «وَحَرَمْنَا عَلَيْهِ الْمَرَاضِعَ مِنْ قَبْلُ؛ ما همه زنان شیرده را از پیش بر او حرام کردیم (تا تنها به آغوش مادر بازگردد)؛ (قصص: ۱۲). حلیمه سعدیه در سالی که قحطی بزرگی میان قبیله بنی‌سعد افتاده بود، همراه با نه تن از زنان قبیله، برای امرار معاش از طریق شیردهی به کودکان قبایل ثروتمند مکه، عازم این شهر شد، اما چون مرکب او از شدت تنگدستی و قحطی ناتوان و لاغر بود، از دیگران عقب افتاد و دیر به مکه رسید. در نتیجه، دایگی حضرت محمد(ص) را بر عهده گرفت(ابن سعد، ۱۴۱۰: ۱: ۱۱۰-۱۱۱).

۴. ریسندگی

از مشاغل مهم، و فعالیت‌های اقتصادی زنان که قرآن کریم از آن یاد کرده است «نخ‌ریسی» است. قرآن کریم «نخ‌ریسی» را به یک زن منتسب می‌کند: «وَلَا تَكُونُوا كَالَّتِي نَقَضَتْ غَزْلَهَا مِنْ بَعْدِ قُوَّةٍ؛ مانند زنی که رشته خود را پس از تابیدن محکم و تابید نباشید (نحل: ۹۲). در عرب زنی بود نام او ریطه یا خطیئه ملقب به حمقاء دختر سعد بن تیم. دو کنیز و دوکی داشت. هر روز مقدار یک ارش و فلکه بزرگ در آن نموده، از صبح تا ظهر، خود پشم می‌ریست. بعد از ظهر دو کنیز را امر می‌کرد آن را باز نموده پاره پاره کنند. همیشه عادتش این بود. حق تعالی تشبیه فرماید شکستن عهد را به پاره کردن ریسمان آن زن که چنانچه آن زن حمقاء رسن تاب داده خود را، ضایع می‌کند(شاه عبدالعظیمی، ۱۳۶۳: ۷: ۲۷۲). امام صادق ع، در حدیثی از پیامبر ص نقل می‌کند که فرمود: «سوره نور و نخ‌ریسی به زنان یاد دهید» (کلینی، ۱۳۸۹: ۵: ۵۱۵).

۱. توانایی عقلانی زن در مسئولیت‌های اجتماعی

از منظر آیت الله فیاض، زن توانایی لازم در امور اجتماعی را دارد، ونقصان عقلانی در وی نیست. ایشان درباره حدیثی که عقل زن را ناقص می‌داند، بیان می‌کند که این حدیث معتبر نمی‌باشد و نسبت دادن آن به رسول اکرم (ص) صحیح نیست. علاوه بر آن، این حدیث قابل تأیید و تصدیق نیز نمی‌باشد؛ زیرا برخلاف محسوس و واقعیت‌های عینی است. چون ملموس و عیان است که عقل زن در همه‌ی عرصه‌های علمی که زن حضور و موجودیت دارد، از عقل مرد، کم‌تر نیست. از سوی دیگر، از آیات و روایات استفاده می‌شود که بین مرد و زن در این مورد فرقی وجود ندارد. شاید این حدیث- بر فرض اعتبار و صحت آن- ناظر بر این باشد که طبیعت نوعی زن، بیشتر از طبیعت مرد، حساس و دارای احساسات، محبت، رقت قلب و متمایل به آرایش، آراستگی و زیبایی است. از همین رو، گاهی این احساسات بر عقلانیت و تفکر او در زندگی عمومی غلبه می‌یابد و این بدان معنی نیست که هر زنی چنین باشد؛ زیرا چه بسا زنی وجود دارد که در اراده و قوت قلب، با صلابت‌تر و استوارتر از مرد می‌باشد. از همین رو، به عنوان «زن آهنین» یاد می‌گردد. (فیاض، ۱۳۹۲: ۶۶-۶۷). به همین دلیل همان گونه که قبلاً نیز اشاره شد، از نظر ایشان شهادت زن در همه‌ی مسائل سیاسی، اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی، معادل و برابر با شهادت مرد محسوب می‌شود و هیچ فرقی بین آن دو وجود ندارد (همان: ۵۸-۵۹).

۲. مشاوره سیاسی

یکی از فعالیت‌های مهم سیاسی، طرف شور قرار گرفتن است، به طوری که امروزه اکثر سیاستمداران و رؤسای دولت، دارای مشاور می‌باشند. از نظر آیت الله فیاض، مشورت بین افراد شایسته‌ی امت، اعم از مردان و زنان، در تمام دستگاه‌های دولت و تشکیل شورا، از واجبات و مکلفیت‌های دولت است؛ زیرا تبادل افکار و آگاهی‌های علمی و تجربه عملی و مشاوره در امور اجتماعی، سیاسی، اقتصادی، امنیتی، فرهنگی، آموزشی و غیره در هر دولتی چه شرعی باشد یا غیر شرعی، یک امر ضروری و حیاتی است. وظیفه‌ی شرعی مقام حاکم در دولت اسلامی این است که با کارشناسان، علما و نخبگان امین و مخلص اعم از مردان و زنان در همه‌ی تشکیلات و دستگاه‌های دولت، مشورت کند؛ زیرا برعهده گرفتن پست‌های حکومتی باید براساس شایستگی و لیاقت باشد، چه مرد باشد یا زن (فیاض، ۱۳۹۲: ۵۳-۵۴). ایشان تأکید می‌کند همان گونه که از مردان مشورت گرفته می‌شود، زنان نیز چنین حقی دارند و مستثنا نیستند. امروزه در

اکثر ادارات دولتی منصبی به عنوان مشاور وجود دارد که می‌توان از زنان در آن مناصب استفاده کرد.

۳. زعامت دینی

برخی از فقیهان با نگاهی مجموعی به احکام فقهی، به این نتیجه رسیده‌اند که از مذاق شریعت به دست آورده‌ایم که وظیفه شایسته زنان، حجاب و پوشش و تصدّی امورخانه و مداخله نکردن در اموری است که با آنها تداخل داشته باشد و روشن است که **تصدّی افتا** به حسب عادت، خود را در معرض رجوع و سؤال قرار دادن است؛ زیرا اینها اقتضای ریاست مسلمین است؛ حال آنکه شارع به اینکه زن خود را در معرض این امور قرار دهد، راضی نیست (غروی، ۱۴۱۴: ۱).

آیت الله فیاض درباره «زعامت دینی» می‌نویسد: «آنچه در اسلام برای پیامبر اکرم (ص) و امام (ع) ثابت است در ارتباط به دین اسلام در مرحله‌ی تطبیق شریعت، اجرای حدود، حفاظت از آنچه در آن مصلحت می‌بیند، و قانون‌گذاری با عنوان ثانوی در منطقه فراغ (عرصه‌ی مباحات اصلی) براساس مقتضیات شرایط و نیاز زمان؛ برای فقیه جامع شرایط نیز ثابت است؛ زیرا به امتداد و دوام شریعت جاودانه‌ی اسلام، زعامت دینی نیز دوام و استمرار دارد و نمی‌توان این زعامت را به زمان حضور منحصر دانست؛ چون با جاودانگی شریعت انسجام ندارد. زعامت در زمان پیامبر اکرم (ص) در چهره‌ی رسالت، در زمان ائمه‌ی معصومین (ع) در چهره‌ی امامت و در زمان غیبت در فقاهت فقهای جامع شرایط که از آن جمله اعلیّت است، تبارز می‌یابد؛ با این تفاوت - چنان که در جای آن یادآوری کرده‌ایم - زعامت فقها در زمان غیبت، در طول زعامت پیامبر (ص) و ائمه (ع) در زمان حضور، قرار دارد و از نگاه رتبه و کمال نیز پایین‌تر از آن است» (فیاض، ۳۷-۳۸).

از نظر آیت الله فیاض، زن می‌تواند زعیم دینی شود، مشروط بر این که همه‌ی شرایط فتوا و تقلید در زن فراهم باشد (فیاض، ۱۳۹۲: ۸۹). آیت الله فیاض در جواب به این پرسش که آیا می‌توان برای زن مسلمان در زمان غیبت، در صورتی که همه‌ی شرایط از نگاه فقاهت، اعلیّت، عدالت، استقامت و قدرت اجرای دستورات الهی را دارا باشد، سمت رهبری و مقام حاکم در دولت مبتنی بر اصل حاکمیت خداوند را ثابت کرد؟ پاسخ می‌دهند که اکثر فقهای بزرگوار معتقد به ثبوت این مقام برای زن مسلمان نیستند، ولی ثبوت آن خالی از قوت نیست؛ زیرا دلیلی بر

عدم ثبوت نیست، مگر ادعای اجماع در این مسأله؛ درحالی که اجماع در ذات خود حجت نیست و اعتبار ندارد، مگر این که احراز شود که در زمان معصومین (ع) نیز ثابت بوده و از آن زمان دست به دست و طبقه بعد از طبقه به ما رسیده باشد؛ ولی هیچ راهی برای این احراز وجود ندارد (همان، ۳۲-۳۳) از منظر علامه فضل الله نیز، قواعد اصولی مانع از آن نیست که در احکام شرع به زن مراجعه کنیم به شرط آن که در سطح بالایی از اجتهاد و عدالت قرار داشته باشد (فضل الله، ۱۳۸۹: ۱۵۰). زیرا تقلید مسأله‌ای شرعی نیست که نیاز به دلیل شرعی داشته باشد، بلکه یک مسأله‌ی عقلایی است (همان). بنابراین در این جهت تفاوتی بین زن و مرد نیست (همان).

۴. قضاوت زن

قضاوت در اسلام عبارت است از حل و فصل خصومت بین متخاصمین و پایان دادن به آن بر طبق موازین و معیارهای تعیین شده در شریعت. قاضی شرعی نیز کسی است که از طرف خداوند منصوب شده و از نگاه شرعی بر تطبیق احکام شرعی، اجرای حدود، اقامه‌ی تعزیرات، قطع منازعات و مراعات بین مسلمانان و گرفتن حق مظلوم از ظالم به هر ترتیب ممکن مشروع، به منظور حفاظت از مصالح بزرگ مؤمنان که عبارت است از عدالت اجتماعی و ایجاد توازن، ولایت دارد (فیاض، ۱۳۹۲: ۳۶-۳۷). از منظر آیت الله فیاض، در مورد قضاوت عرفی بین مردم که مبتنی بر ثبوت ولایت و زعامت دینی قاضی نیست، هیچ فرقی بین مرد و زن وجود ندارد (فیاض، ۱۳۹۲: ۳۸). زعامت دینی را که هم قبلاً بیان شد نظر ایشان در این باره مثبت است. از منظر علامه فضل الله نیز، مسأله قضاوت، منوط به علم و تقواست؛ پس اگر این شرطها در زن وجود داشته باشد، او می‌تواند با رعایت برخی احتیاطها، آن کار را انجام دهد (فضل الله، ۱۳۸۹: ۱۴۹).

۵. نمایندگی و ریاست پارلمان

بنا به دیدگاه آیت الله فیاض، زن مجاز است که خود را برای ورود به پارلمان یا سایر مجالس نمایندگی، کاندید کند، مشروط بر این که هویت اسلامی و کرامت خود به عنوان یک زن مسلمان را حفظ کند (فیاض، ۱۳۹۲: ۳۸). در این باره فرقی بین حکومت اسلامی و غیراسلامی نیست: «زن می‌تواند در صورت شایستگی، لیاقت و تخصص، خود را برای عضویت در مجالس پارلمانی کاندید کند، چه در دولت اسلامی باشد یا غیر اسلامی.» (همان: ۵۴) برعهده گرفتن پست‌های حکومتی باید براساس شایستگی و لیاقت باشد، چه مرد باشد یا زن. (همان). از نظر ایشان زن

می‌تواند ریاست کمیسیون‌های پارلمانی، و ریاست پارلمان را نیز برعهده بگیرد(همان).

۶. ریاست دولت

ریاست دولت، از موارد مهمی است که اکثر فقهای معاصر سعی می‌کنند زن را در آن جایگاه قرار ندهند و ادله شرعی بر منع ورود زنان می‌آورند. اما آیت الله فیاض بیان می‌کند: «نظر فقها در دولت استوار بر اصل حاکمیت دین، تنها در سه مورد اشکال وجود دارد: اول؛ زن متصدی بالاترین مقام حاکم در آن دولت (ریاست عالی‌هی دولت) شود. دوم؛ در این دولت زن عهده دار سمت قضاوت شود. سوم؛ در این دولت زن عهده دار مقام افتا شود. هرچند که اظهار در نظر ما جواز هر سه مورد است، مشروط بر این که شرایط این سمت‌ها در وجود زن فراهم باشد. اما برعهده گرفتن سایر سمت‌ها در دولت اسلامی مبتنی بر حاکمیت دین، توسط زنان، از نظر همه‌ی فقیهان جواز دارد. اگر دولت، اسلامی نباشد، برای زنان برعهده گرفتن همه‌ی سمت‌ها، بدون استثنا، جواز دارد»(همان: ۵۷). از نظر علامه فضل الله نیز، ادله‌ی مورد استناد برای اثبات مشروع نبودن حاکمیت زن، ضعیف هستند و می‌توان در حجّیت و دلالت آنها به بحث و مناقشه پرداخت(فضل الله، ۱۳۸۹: ۱۴۸).

در دیدگاه آیت الله فیاض، بر عهده گرفتن پست‌های سیاسی، منافی کرامت زن نیست: «روشن است که بر عهده گرفتن این اعمال و سمت‌ها برای زن، مستلزم برهنگی، بی‌حجابی و عدم محافظت از کرامت اسلامی خود به عنوان یک زن مسلمان نیست، بلکه حفظ کرامت و شرف در حال برعهده گرفتن پست‌های بزرگ در دولت؛ شأن، ارزش، جایگاه اجتماعی و صلابت اعتقادی و ایمانی زن را افزایش می‌دهد. خلاصه این که زن مسلمان در صورتی که در اراده‌ی خود نیرومند و در عقیده و ایمان خود استوار و با صلابت باشد و شرف و کرامت خود را پاس دارد، می‌تواند همه‌ی سمت‌ها و پست‌های یادشده در سوال اول را برعهده بگیرد و از این جهت هیچ فرقی بین مرد و زن نیست»(فیاض، ۱۳۹۲: ۳۰). آیت الله جوادی آملی نیز در برخی از امور حضور زنان را بلا اشکال می‌داند: «اگر سیستم اداره جامعه بر موازین ستر و عفاف و طهارت روح استوار باشد، هیچ گونه منع شرعی برای حضور زن در وکالت، وصایت، ولایت بر محجوران و ولایت بر رقابت وقف و نظایر آن نیست و هرگز زن در مواردی محدود، مانند حق الحضانه خلاصه نمی‌شود»(جوادی آملی، ۱۳۸۳: ۲۹۷).

۷. مجاز بودن فعالیت‌های اقتصادی

از نظر شهید مطهری، قرآن کریم همانطوری که مردان را در نتایج کار و فعالیتشان ذی حق دانست زنان را نیز در نتیجه کار و فعالیتشان ذی حق شمرد: «لِّلرَّجَالِ نَصِيبٌ مِّمَّا اكْتَسَبُوا وَلِلنِّسَاءِ نَصِيبٌ مِّمَّا اكْتَسَبْنَ» (نساء: ۳۲) (مطهری، ۱۳۶۹: ۲۵۶). درحالی که عرب جاهلی، حاضر نبود به زن ارث بدهد، قرآن کریم حق ارث به زن را تثبیت کرد: «وَلِلنِّسَاءِ نَصِيبٌ مِّمَّا تَرَكَ الْوَالِدَانِ وَالْأَقْرَبُونَ» (نساء: ۷) (همان). انگیزه‌ای که سبب شد اسلام، به زن استقلال اقتصادی بدهد جز جنبه‌های انسانی و عدالت دوستی و الهی اسلام نبوده است، چیزی که در غرب برای مطامع کارخانه‌داران انگلیس به وجود آمد (همان: ۲۵۷) در اندیشه شهید مطهری، اسلام به زن، استقلال اقتصادی داد اما به قول «ویل دورانت» خانه‌براندازی نکرد، اساس خانواده‌ها را متزلزل نکرد، زنان را علیه شوهران و دختران را علیه پدران به تمرد و عصیان وادار نکرد (همان). از نظر وی، اروپا غل و زنجیری از دست و پای زن باز کرد و غل و زنجیر دیگری که کمتر از اولی نبود به دست و پای او بست. اما اسلام زن را از بندگی و بردگی مرد در خانه و مزارع رها نید و با الزام مرد به تأمین بودجه اجتماع خانوادگی، هر نوع اجبار والزامی را از دوش زن برای تأمین مخارج خود و خانواده برداشت، زن از نظر اسلام در حق دارد طبق غریزه انسانی به تحصیل ثروت و حفظ و افزایش آن بپردازد (همان: ۲۵۷، ۲۵۸).

از نظر آیت الله فیاض، در ورود در همه‌ی انواع سرمایه‌گذاری‌ها، فعالیت‌های مالی در بازار و بورس‌های جهانی، کسب ثروت‌های طبیعی و احیای اراضی بایر و غیره، زن از برابری با مرد استثنا نمی‌شود. البته همه‌ی این فعالیت‌ها باید در حدود مجاز شریعت، انجام شود؛ زیرا سرمایه‌گذاری‌ها و فعالیت‌های اقتصادی ممنوع و مغایر با ارزش‌ها و اهداف دینی و اخلاقی مانند استفاده از ربا، تجارت شراب‌های الکلی، مرده، گوشت خوک، مواد مخدر، احتکار، تقلب و غیره از نگاه شریعت مجاز نیست. (فیاض، ۱۳۹۲: ۵۶). ایشان منشأ این آزادی اقتصادی را در اصل آزادی انسان می‌داند: «از سوی دیگر، دولت شرعی اسلامی همه‌ی حقوق را برای انسان مسلمان تضمین می‌کند و همه‌ی انواع و اشکال آزادی را برای او در نظر می‌گیرد، ولی همه‌ی اینها باید در حدود مجاز شرعی باشد نه به طور مطلق؛ بدین معنی که این آزادی نباید باعث سلب آزادی دیگران شود و نباید با ارزش‌ها و اهداف دینی و اخلاقی در تضاد باشد؛ مانند دروغ، غیبت و مانند آن که انسان در این موارد آزاد نیست. در همه‌ی آنچه گفته شد، هیچ فرقی بین مرد و زن وجود ندارد» (همان).

همچنین شوهر حق ندارد زن را از فعالیت‌های اجتماعی خصوصاً اقتصادی منع کند: «حق شوهر

بر زوجه، استمتاع از او است هر زمان و در هر وقت که بخواهد و زوجه حق ندارد از این حق، امتناع ورزد یا از منزل خارج شود؛ به گونه ای که با این حق منافات پیدا کند. البته باید بدانیم که ثبوت این حق شوهر بر زن، به اندازه‌ی معمولی و متعارف آن است و این مقدار، با کار زن و خارج شدن او از منزل به اندازه‌ی شش یا هشت ساعتی که معمولاً مرد نیز در همین مدت خارج از منزل است، منافات ندارد» (فیاض، ص ۹۱). مطالبات غیرمعقول از شوهر پذیرفته نیست: «اگر مرد از همسرش مطالبه استمتاع در طول ۲۴ ساعت را داشته باشد، اطاعت از او واجب نیست؛ زیرا ادله‌ی شرعی از چنین حالات و فرض‌هایی انصراف دارد. (فیاض، ۹۴). زن می‌تواند در ضمن عقد شرط کند تا فعالیت اقتصادی انجام دهد: زن هم ازدواج را مشروط به ادامه‌ی کارش بپذیرد و بدین منوال عقد نکاح بین آنها منعقد شود، مرد حق ندارد مانع کار زن شود. همچنین اگر زن در ضمن عقد نکاح شرط کند که کارمند حکومت شود و مرد نیز بپذیرد و عقد بر اساس این شرط منعقد شود، مرد در آینده حق ممانعت ندارد. در مورد هم خوابی یا هم‌بستری باید گفت که این، حق زن بر شوهر است نه بر عکس (فیاض، ۹۵) گرچه استمتاع، حق شوهر است (همان، ۹۱).

نتیجه

اسلام هیچگاه دید منفی نسبت به حضور زنان در عرصه اجتماعی نداشته و در صورت رعایت عفت و کرامت توسط زنان، می‌توان از توانایی‌های اجتماعی آنان بهره برد. زنان از همان آغاز نزول وحی، نقش مهمی در توسعه سیاسی و اقتصادی داشتند. قرآن کریم نیز با اشاره به ملکه سبا، و سایر زنان، فعالیت‌های سیاسی و اقتصادی زنان را بازگو کرده و در برخی آیات حق مسلم زنان را، در ارث، مهریه و نفقه و... بیان کرده است. بدیهی است که با توجه به گسترش نیازها، حقوق زنان نیز گسترش می‌یابد و این امر فقط با اجتهاد و ردّ فروع بر اصول امکان پذیر است که کار مجتهدان زبر دست است. از فقیهان معاصر و ژرف اندیش، آیت الله العظمی فیاض است که حقوق معاصر زنان در عرصه اجتماعی، اعم از سیاسی و اقتصادی را مورد بررسی قرار داده‌اند. ایشان با توجه به مبانی فقهی‌شان، نقش زنان در توسعه سیاسی و اقتصادی جامعه اسلامی را پررنگ دانسته، و منعی برای فعالیت‌های سیاسی و اقتصادی آنان نمی‌بیند. ایشان حضور زنان در سمت‌های سیاسی و تصدی پست‌های مهم، از جمله ریاست دولت را منافی کرامت آنان ندانسته،

و حضور پر رنگ زنان در عرصه اجتماعی را جایز می‌شمارند. این قبیل نظرات فقهی می‌تواند پاسخگوی جامعه امروزی باشد که با افزایش جمعیت و افزایش سمت‌های سیاسی، نیاز مبرم به حضور زنان دارد و محروم کردن نصف جامعه از حقوق سیاسی‌شان نه به نفع زنان است و نه به نفع جامعه، زیرا از توانایی و ظرفیت بخش بزرگی از انسانها، بهره‌برداری نمی‌شود و ضرر اصلی آن، به جامعه می‌رسد.

منابع

- قرآن کریم

- ۱) نهج البلاغه (۱۳۸۱). سید رضی، ترجمه محمد دشتی، چاپ شانزدهم، قم، انتشارات مشهور.
- ۲) ابن حجر عسقلانی، شهاب الدین ابی الفضل (۱۸۵۳م). الإصابه فی تمییز الصحابه، بیروت، دارالکتب العلمیه.
- ۳) ابن سعد، محمد (۱۴۱۰ق). الطبقات الکبری، بیروت، دار الکتب العلمیه.
- ۴) بشیریه، حسین (۱۳۷۸). جامعه مدنی و توسعه سیاسی در ایران، تهران، مؤسسه علوم نوین.
- ۵) جلیلی، محمدرضا (۱۳۸۴). جایگاه زن در اسلام و یهودیت، چاپ دوم، تهران، انتشارات دستان.
- ۶) جوادی آملی، عبدالله (۱۳۸۳). زن در آئینه جلال و جمال، چاپ نهم، قم، مرکز نشر اِسرائ.
- ۷) جوادی آملی، عبدالله (۱۳۹۳). فاطمه (س) اسوه بشر، چاپ اول، قم، مرکز نشر اِسرائ.
- ۸) حریری اکبری، محمد (۱۳۷۷). گذار و نظریه مدرنیته هابرماس، اندیشه جامعه، شماره ۲.
- ۹) حریری اکبری، محمد (۱۳۸۷). مدیریت توسعه، چاپ اول، تهران، نشر نی.
- ۱۰) حموی رومی بغدادی، ابی عبدالله یاقوت بن عبدالله (۱۳۹۹ق). معجم البلدان، بیروت، داراحیاء التراث العربی.
- ۱۱) خلیلیان اشکذری، محمد جمال (۱۳۸۱). فرهنگ اسلامی و توسعه اقتصادی (بررسی سازگاری و ناسازگاری)، چاپ اول، قم، مؤسسه آموزشی و پژوهشی امام خمینی.

- ۱۲) داد، کلمنت هنری و دیگران (۱۳۸۶). *مراحل و عوامل و موانع رشد سیاسی*، مترجم عزت الله فولادوند، چاپ اول، تهران، نشر ماهی.
- ۱۳) رسول، جمال محمد فقی (۱۳۸۳). *زن در اندیشه‌ی اسلام*، مترجم محمود ابراهیمی، چاپ اول، تهران، نشر احسان.
- ۱۴) شاه عبدالعظیمی، حسین حسینی (۱۳۶۳) *تفسیر اثنی عشری*، چاپ اول، تهران، انتشارات میقات.
- ۱۵) طبری، محمد بن جریر، (۱۳۸۷ق) *تاریخ الامم و الملوک*، تحقیق: محمدابوالفضل ابراهیم، چاپ دوم، بیروت، دار التراث.
- ۱۶) عاملی، سید جعفر مرتضی (۱۴۱۵ق). *الصّحیح من سیره النّبی ص*، چاپ چهارم، بیروت، دارالهدی - دارالسیره.
- ۱۷) غروی، علی (۱۴۱۴ق). *التّنقیح فی شرح العروة الوثقی*، قم، انتشارات لطفی.
- ۱۸) فضل الله، سید محمد حسین (۱۳۸۷) *اسلام، زن و جستاری تازه*، مترجم مجید مرادی، چاپ سوم، قم، بوستان کتاب.
- ۱۹) فضل الله، سید محمد حسین (۱۳۸۹). *دنیای زن، گفتگو با علامه سید محمد حسین فضل الله*، ترجمه‌ی دفتر پژوهش و نشر سهروردی، تهران، انتشارات دفتر پژوهش و نشر سهروردی.
- ۲۰) فیاض، محمد اسحاق (۱۴۳۴ق). *الگوی حکومت اسلامی*، چاپ اول، کابل، مترجم محمد جواد برهانی، دبیرخانه کنگره تجلیل از مقام علمی آیت الله العظمی فیاض.
- ۲۱) فیاض، محمد اسحاق (۱۳۹۲). *جایگاه زن در نظام سیاسی اسلام*، مترجم سروردانش، چاپ اول، کابل، دبیرخانه کنگره تجلیل از مقام علمی آیت الله العظمی فیاض.
- ۲۲) قرائتی، محسن (۱۳۸۳). *تفسیر نور*، تهران، چاپ یازدهم، مرکز فرهنگی درسهای از قرآن.
- ۲۳) کلینی، محمد بن یعقوب (۱۳۸۹ق). *الکافی* ۸ جلدی، غفاری، علی اکبر، و آخوندی، محمد. تهران، دار الکتب الإسلامیة.
- ۲۴) گوستاولوبون، شارل ماری (۱۳۳۴ق) *تمدن اسلام و عرب*، ترجمه سید محمدتقی فخرداعی گیلانی، چاپ چهارم، قم، نشر بنگاه علی اکبر علمی.

- ۲۵) محمدی ری شهری، محمد (۱۳۸۵) توسعه اقتصادی بر پایه قرآن و حدیث، مترجم ابوالقاسم حسینی، چاپ دوم، قم، نشر دارالحدیث.
- ۲۶) مسعودی، علی بن الحسین الهذلی (۱۴۰۹ق). مروج الذهب و معادن الجواهر، تحقیق اسعد داغر، چاپ دوم، قم، دارالهجره.
- ۲۷) مسلم نیشابوری (۱۴۱۷ق) صحیح مسلم (با شرح نووی)، چاپ اول، بیروت، دارالفکر.
- ۲۸) مصباح یزدی، محمد تقی (۱۳۹۱) رساترین دادخواهی و روشنگری: شرح خطبه زهرای مرضیه س، معروف به خطبه فدکیه، چاپ اول، قم، مؤسسه آموزشی و پژوهشی امام خمینی ره.
- ۲۹) مطهری مرتضی (۱۳۶۹) نظام حقوق زن در اسلام، چاپ چهاردهم، قم، صدرا.
- ۳۰) مطهری، مرتضی (۱۳۷۴) پاسخ‌های استاد به نقدهای کتاب حجاب، چاپ اول، قم، صدرا.
- ۳۱) مطهری، مرتضی (۱۳۹۲) زن و مسائل و سیاسی، چاپ دوم، تهران، صدرا
- ۳۲) منجذب، محمدرضا (۱۳۹۰). توسعه اقتصادی با رویکرد منطقه‌ای، نهادی و تاریخی، چاپ اول، تهران، نشر نور علم.
- ۳۳) ناصری داوودی، عبدالمجید (۱۳۹۰). مشاهیر تشیع در افغانستان، جلد دوم، چاپ اول، قم، مرکز بین المللی ترجمه و نشر المصطفی ص.
- ۳۴) ندروین پیترز، جان (۱۳۹۵). نظریه توسعه، مترجم، انور محمدی، چاپ دوم، تهران، نشر گل‌آذین.
- ۳۵) نریمانی، زمان آبادی، سید مهدی (۱۳۹۴). کاوشی نو در مسئله حضور اجتماعی زنان، چاپ اول، مشهد، بنیاد پژوهشهای اسلامی آستان قدس رضوی.
- ۳۶) نیشابوری، ابی عبدالله حاکم (۱۴۰۶ق). المستدرک علی الصحیحین؛ بیروت، دارالمعرفه.